

جنبش کارگری ایران در سال ۱۴۰۰

ابراهیم پاینده / فروردین ۱۴۰۱

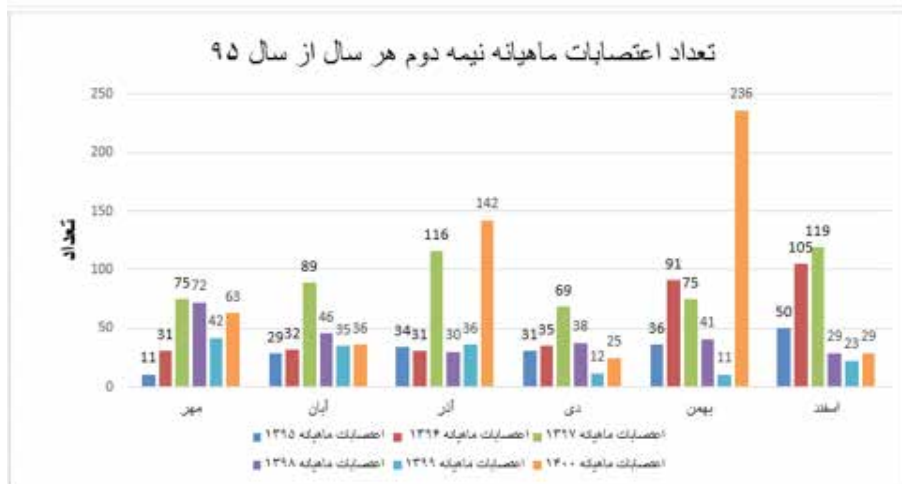
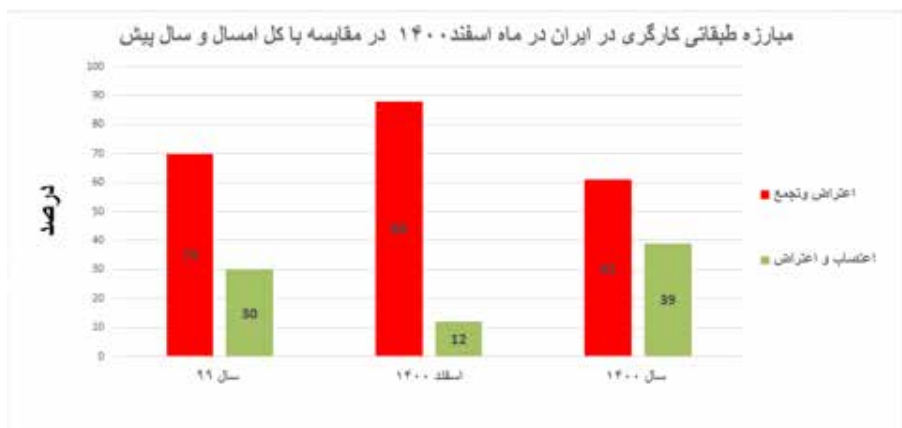
نگاهی به جدول زیر نتایج بدین شرح برای ما روشن می کند که: رشد کل اعتراضات در سال ۹۶ نسبت به سال ۹۵ فقط ۹ درصد بوده، حال آن که رشد اعتصابات سال ۹۶ نسبت به سال قبل از آن ۵۹ درصد است. همین روند با شدت بیشتر و گسترده تر در سال ۹۷ ادامه یافته است بطوری که رشد اعتراضات سال ۹۷ نسبت به سال قبل آن ۳۴ درصد است اما در سال ۹۸ حدود ۳۷ درصد کاهش می یابد. رشد اعتراضات کارگری در سال ۱۳۹۹ به بالا ترین حد خود یعنی ۷۸ درصد بیش از سال ۹۸ است. این روند اعتراضات کارگری در سال ۱۴۰۰ ادامه یافت و به رقم نجومی ۲۳۳۴ یعنی ۲۷ درصد بیش از سال ۹۹ رسید. این حرکات و مبارزات در بر دارنده توده عظیم چند ده هزار کارگر بوده است، از کارگران حوزه آموزش سرمایه تا حوزه بهداشت و درمان، شهرداری ها و کارگران شرکت ها و زیر مجموعه های صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ها که از آخر خرداد با عزمی جزم علیه سرمایه داران پیمانکار شروع گردید و تا ماه مهر ادامه یافت و بعد از این نیز کارگران حوزه آموزش دست به تجمع، اعتصاب و اعتراض زیر فشار فقر، دستمزدهای نازل و قراردادهای کوتاه مدت علیه دولت سرمایه زدند که تا ماه اسفند ادامه یافت. همه این اعتراضات و ارقام بالای کارگران شرکت کننده از تعالی کمی و عددی جنبش کارگری علیه سرمایه حکایت دارد. آنچه توده های عظیم کارگری تا اینجا و در این سال انجام داده اند جای گفتگو دارد، بسان هر لحظه ای از هر اعتراض و خیزشی حاوی ضعف ها و قوت ها است. مسائلی که باید قطعاً مورد شناسائی و بازبینی قرار گیرند، اینکه ادامه کار چه خواهد شد، در سال جدید چه پیش خواهد آمد و سرنوشت موج تازه پیکار کارگران چگونه رقم خواهد خورد نیز موضوع مهمی است که اگر نه در همه صدر و ذیل خود، اما تا حدود زیادی به نوع ارزیابی و مواجهه همزنجیران کارگر با همین ضعف و قوت ها ارتباط دارد.

کارگران با شعارهای « معلم بیدار است از تبعیض بیزار است» و یا همسان سازی دستمزدها چیزی جز رو در رو قرار گرفتن با سایر کارگران، نتیجه ای جز تضعیف و متشتت کردن صف طبقاتی کارگران در مقابل سرمایه داران و دولت آن ها، ندارد. سر دادن شعار «مدیر بی کفایت استعفا، استعفا»، «کارگر

بیدار است از تبعیض بیزار است»، «یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه» از عوض شدن وزیر و مدیر سرمایه و مشابه این ها، دست به اعتراض و تظاهرات خیابانی زده ایم. تعدادی از معلمان سرنوشت خود و اعتراضاتشان را به نهاد موسوم به «کانون صنفی» معلمان گره زده اند. با شعار «کارگر و معلم!!!» از بدنه کارگری و کل طبقه کارگر به دلایل واهی طبقه متوسط جدا می کنیم! اگر کارگر نفتیم در اعتراضات چند ماهه خود را صرفا کارگر نفت قلمداد می کنیم. این فاجعه دامنگیر طبقه ما است. ما هویت خود را با اسم و رسم، مالکیت، ماشین آلات، مدیریت سازمان آموزشی و جواز کسب صاحب سرمایه توصیف می کنیم و از چارچوب تعیین شده توسط سرمایه خارج نمی شویم، کاتولیک تر از پاپ آنچه سرمایه می خواهد و آرزو دارد را انجام می دهیم! سرافراز و سربلند فریاد می زنیم که کارگر شرکت نفت، هفت تپه، معلم، بازنشسته، پرستار و کادر درمان یا دیگر واحد صنعت هستیم! بر روی وجود خود به عنوان آحادی از طبقه کارگر، طبقه آماج فشار خرد کننده و کوبنده استثمار دهشتناک سرمایه، اسیر حاکمیت بربریت منبشانه سرمایه داری، در حال پیکار علیه استثمار، ستم، جنایت و بشرستیزی سرمایه، بر روی موجودیت و هویت طبقاتی خویش به طور کامل خط می کشیم و آن را نفی می کنیم!

از طرف دیگر محور اصلی خیزش در این سال سطح نازل دستمزدها و قرار دادهای موقت می باشد. مزد کارگران نمی بایست تابع انباشت و میزان سوددهی سرمایه باشد. مزد قطره ناچیزی از رود پرخروش ارزش ها و اضافه ارزشهائی است که طبقه کارگر تولید می کند. مقدار آن نیز تابع بی چون و چرای قیمت محصولات و بخصوص محصولات مورد نیاز و ضروری زندگی روزانه کارگران است و بهمین دلیل با افزایش روزانه و ساعتی قیمت ها قدرت خرید کارگران کاهش می یابد. فشار کاهش قیمت نیروی کار، عدم اطمینان به آینده خود، تهدید فقر و بیکاری کارگران را به ستوه آورده است. تنها راه چاره گره زدن سهم خود به کل آن چه ما تولید می کنیم است و نه محاسبه آن بر مبنای حد فقر، نه با احتساب تورم سالانه و نه این که کارگر هم زنجیر ما در محل دیگری از کار و استثمار چقدر بیشتر یا کمتر از ما دستمزد می گیرد بنا کنیم، بلکه فقط و فقط بر اساس آن چه که کل طبقه ما در طی سال تولید می کند محاسبه نمائیم. محصول اجتماعی سالانه که تولید کرده ایم می بایست مبنای دستمزد ما قرار گیرد. به این ترتیب ما به نبرد با سرمایه در این زمینه می رویم. ما درست به عکس سرمایه داران که خواهان انباشت همه تولید اجتماعی سال هستند خواهان دستمزد شدن این محصول هستیم. برای این کار می بایست دست به کار تقلا برای همصدائی، همپیوندی، همسوئی و همسنگری نیرومند سراسری و طبقاتی گردید. چرخ کار را از چرخش فرو اندازیم. هم زمان راه افتیم، با هم به گفتگو بنشینیم و اعتصاب را هسته رشد یابنده و بالنده یک شورای واقعی ضد سرمایه داری و شوراهای فراوان بعدی سازیم. راه درست تبدیل شدن به یک قدرت اثرگذار شورایی، طبقاتی و اجتماعی گزند ناپذیر همیشگی را پی

گیریم. یک قدرت شورایی متکی به دخالت گری، چاره پردازی، راه حل جویی و اعمال اراده آگاه، هشیار، نافذ و توانای همه آحاد هم زنجیران که کل قدرت خود را از ایفای نقش و کاردانی و دخالت تک، تک ما اتخاذ کند، همه ما در درون آن با همه تفاوت ها در میزان سواد و سن و شناخت و شعور و راه حل یابی، بسان سلول های زنده یک پیکر به هم پیوند خوریم.



سال	کل اعتراضات	جمع اعتصابات	درصد اعتصابات از کل
۱۳۹۵	۱۱۳۰	۲۵۹	۲۳
۱۳۹۶	۱۲۴۰	۴۱۳	۳۳
۱۳۹۷	۱۶۶۲	۹۱۰	۵۵
۱۳۹۸	۱۰۴۱	۵۳۲	۵۱
۱۳۹۹	۱۸۵۶	۵۵۰	۳۰
۱۴۰۰	۲۳۳۴	۹۰۱	۳۹

جنبش کارگری ایران در بهمن سال ۱۴۰۰

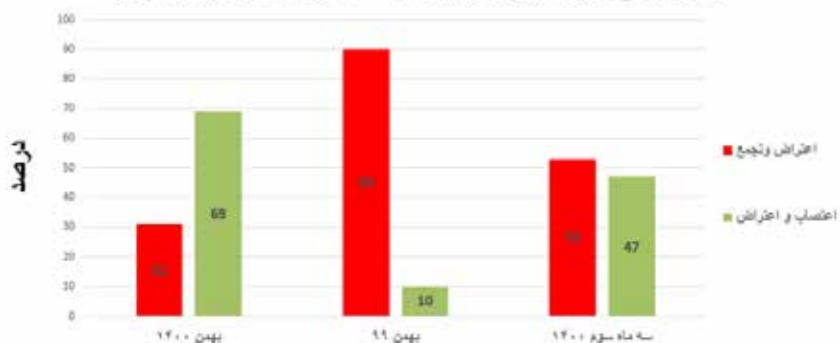


ابراهیم پاینده / اسفند ۱۴۰۰

اعتصابات بهمن امسال در مقاسیه با همین ماه در چندین سال اخیر بی سابقه بوده است، ۲۳۶ اعتصاب که جنبش کارگری ایران نظیر آن را از سال ۱۳۹۵ (شروع ثبت آمار اعتصابات) شاهد نبوده است. بخش اعظم این اعتصابات را کارگران حوزه آموزش سرمایه انجام داده اند و اهم آن ها بر سر دستمزدهای نازل و ناچیز و قرار دادهای کاری کوتاه مدت بوده است. اعتصاب کارگران حوزه آموزش سرمایه در بیش از صد شهر و با شرکت ده ها هزار معلم در روز های مختلف بر پا شد. کل اعتراضات و اعتصابات طبقه کارگر ایران علیه سرمایه داران و دولت سرمایه نیز در این ماه بی سابقه و انبوه بوده است (۳۴۴ نسبت به ۱۰۸ اعتراض در بهمن سال پیش و تعداد ۲۵۶ مجموع دی و بهمن سال گذشته). ما کارگران بخوبی می دانیم که همین اعتراضات در هیچ زمانی تا به این حد زمین گیر، فاقد هرگونه بنمایه ضد سرمایه داری، متشتت و گسیخته و طبیعتاً بی حاصل و بی نتیجه نبوده است. می گوئید چرا و چگونه؟! چرایی آن داستان پر سوز و گداز پذیرش سرنوشت خود بعنوان فروشنده نیروی کار، کارگر بودن برای همیشه و پذیرش آقایی سرمایه، نان و آب ده، روزی رسان، خدای روی زمین که هستی همه چیز ما دست

اوست، می باشد. این سرنوشت را سرمایه برای ما رقم زده و ما نیز تا کنون به آن تن داده ایم. با وجودی که هستند اعتصابات و اعتراضات کارگری که با هدف جلوگیری از کاهش دستمزد و احیانا افزایش آن و کاهش تاثیر افزایش روزانه قیمت های کالاهای ضروری خانواده های کارگری صورت می گیرند اما این همه در دور تسلسل منحط پذیرش سرنوشت خود در محدوده های این نظام جهنمی است. حکم قاطع روابط تولیدی سرمایه داری، طبقه سرمایه دار و دولت آن بوده و هست که دادن هر لقمه نان، هر اندازه معیشت، هر قطره آب، هر قرص دارو و درمان، هر گونه مایحتاج اولیه زیستی انسانها را باید سرمایه صادر نماید و سرمایه به شرطی دست به این کار می زند و تا اندازه ای این کار را می کند که شرط حتمی توسعه، خودافزائی و بقایش باشد، این راز هستی سرمایه و ناموس خلقت سرمایه داری است. تن دادن سرمایه به هر یک از موارد فوق در حکم کاستن از اضافه ارزش ها و سود است. سرمایه قرار نیست و نبوده که پاسخگوی نیاز کارگر باشد، شالوده هستی اش و وجودیش بر قربانی کردن انسان در پیشگاه سود است. در مقابل قدرت سرمایه داران و دولت سرمایه نیروی طبقاتی ما حتی قادر به طرح و پیگیری همین خواست های ناچیز ملازمت روزمره معیشتی مان نبوده است. جنبش ما در مقابل سرمایه داران پراکنده، محدود در چار دیواری واحد های کار و تولید، سر در لاک خود و کورمال کورمال بدور خود می پیچد. به همین دلیل سرمایه داران و دولت آن ها هیچگاه و در هیچ دوره زمانی واقعی به آن نگذارده، ترسی از آن نداشته و در محاسبات خود به حساب نمی آورند. حتی زمانی که جنبش ما، اعتصابات و اعتراضات ما برای مقابله با کاهش دستمزد و قیمت نیروی کار، احیانا دستمزد بیشتر و مقابله با فقر، تضمین شغل ثابت و اطمینان فروش نیروی کار مان است یعنی حتی زمانی که ما مجبوریم در چارچوب همین جهنم سرمایه داری بدنبال فقر و فلاکت و بی خانمانی کمتر تلاش کنیم، مجبوریم به نیروی طبقاتی و قدرت سازمان یافته ضد سرمایه داری خود رجوع کنیم. در این روند و با تکیه بر شکل گیری همین نیرو قادر خواهیم بود سرمایه داران را به عقب رانیم و مجبور به افزایش دستمزد، شرایط بهتر کار و زندگی قدری انسانی نماییم. این همه خواست ما نیست، بلکه آغاز روندی است که می بایست به تسلط ما بر تمامی شرایط و سرنوشت همه آحاد ما بیانجامد. می بایست ما را قادر سازد که بر سر هر آن چه تولید می کنیم با تکیه بر قدرت شورایی شکل گرفته در همین روند مبارزه طبقاتی با سرمایه داران و دولتشان بجنگیم. ما که هم اکنون برای لقمه نانی هر روز، هفته، ماه و همه سال را به نبرد با این نظام اختاپوسی سر می کنیم چرا نتوانیم این نیروی خود را متحد و شورایی ضد سرمایه داری سازمان دهیم. مبارزه طبقاتی ضد سرمایه داری ایجاب می کند که کارگر بودن و فروش نیروی کار را سرنوشت زندگی خود ندانیم و حال و آینده خود را به دستمزد وابسته نکنیم و خواهان کنترل کامل همه انسان ها بر سرنوشت خود باشیم. جنبش کارگری ظرفیت این صف آرایی و مبارزه آگاهانه با سرمایه را دارد.

مبارزه طبقاتی کارگری در ایران در بهمن ماه ۱۴۰۰ در مقایسه با دوره های پیش



تعداد اعتصابات ماهیانه نیمه دوم هر سال از سال ۹۵

